

مطالعه تطبیقی تعارض حقوق ذی نفعان در مدیریت دارایی مجازی پس از فوت در حقوق ایران و ایالات متحده (با تأکید بر قانون RUFADAA)

چکیده

تحول ساختار دارایی در عصر حاضر، نظام‌های حقوقی را با پرسش‌های بنیادین و نوظهوری مواجه ساخته که از جمله مهم‌ترین آن، سرنوشت دارایی مجازی اشخاص پس از مرگ می‌باشد. مواردی چون ایمیل‌ها، پست‌های تصویری و ویدئویی و سایر داده‌های شخصی، به رغم برخورداری از ارزش اقتصادی، عاطفی و حتی فرهنگی، به سبب ماهیت ناملموس خود، ساختار قراردادی پیچیده و دخالت مستقیم و غیرمستقیم بازیگران متعدد، از جمله شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات، با چالش‌های حقوقی جدی در حوزه جانشینی پس از فوت مواجه‌اند. در این میان، منافع بازیگران اصلی در مدیریت آن‌ها - از جمله اراده کاربر متوفی، حقوق بازماندگان اعم از وارث، موصی‌له یا وصی، ملاحظات حریم خصوصی سایر کاربران، منافع اقتصادی شرکت‌های ارائه‌کننده خدمات دارایی مجازی و در نهایت مصالح عمومی جامعه - هم‌راستا نبوده و در مواردی متعارض‌اند. در چنین بستری، مسئله اصلی، شناسایی و تحلیل حقوقی این تعارضات و ارزیابی راه‌کارهای حل آن‌ها در چارچوب اصول حقوقی است. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، ضمن تشریح مفهوم دارایی مجازی، به واکاوی وضعیت حقوقی مدیریت این بخش از میراث اشخاص پس از فوت می‌پردازد و با شناسایی ذی‌نفعان اصلی - شامل خود کاربر، نمایندگان قانونی، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات، سایر کاربران، نمایندگان قانونی و منافع عمومی - به تبیین تعارضات محتمل میان حقوق و منافع آن‌ها می‌پردازد. در ادامه، با تمرکز بر نوآوری‌های قانون اصلاحی متحدالشکل دسترسی به دارایی مجازی (RUFADAA) در حقوق ایالات متحده، ظرفیت‌های حقوقی تطبیقی در دو کشور ایران و ایالات متحده آمریکا، برای حل این تعارضات واکاوی شده‌است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حل این تعارضات، مستلزم طراحی یک نظم حقوقی چندلایه، مبتنی بر تقدم اراده کاربر، حمایت از حریم خصوصی، تضمین حقوق وارث و در عین حال توجه به مصالح عمومی است. این پژوهش در پایان، با الهام از الگوی قانون RUFADAA، پیشنهاداتی ناظر بر تقنین منسجم در نظام حقوقی ایران ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: حساب مجازی، فوت، تعارض منافع، نماینده قانونی، RUFADAA

مقدمه

نفوذ روزافزون فناوری مجازی، منجر به ایجاد پدیده‌های نوین در عالم حقوق گردیده که از جمله آن‌ها دارایی مجازی است که در اثر تحولات عدیده در رابطه با ماهیت اموال شکل گرفته‌است. ایده اموال مجازی، که در ابتدا با توجه به بازی‌های آنلاین شکل گرفته بود، رفته رفته به سایر مصادیق دارایی مجازی گسترش پیدا نموده، به نحوی که نه تنها شامل آواتارهای بازی آنلاین بوده، بلکه نام دامنه، آدرس اینترنتی، کتاب الکترونیکی، بلیط، ایمیل، حساب‌های اجتماعی، وب‌سایت، حساب بانکی، ارز دیجیتال و موارد دیگر را نیز در بر می‌گیرد (Fairfield, 2005: 1055).

در دنیای امروز، دارایی‌های مجازی به بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی ما تبدیل شده‌اند به نحوی که به طور متوسط، هر فرد حدود سی و پنج هزار دلار دارایی ذخیره شده در دستگاه‌های دیجیتال خود دارد.¹ علی‌رغم فقدان تعریف رسمی و واحد نسبت به دارایی مجازی، می‌توان آن‌ها را به عنوان هرگونه رکورد الکترونیکی که فرد در آن حق یا منفعتی داشته و به صورت الکترونیکی ایجاد، ذخیره و مبادله نمود. یکی از مصادیق بارز دارایی مجازی اشخاص، حساب شبکه‌های اجتماعی است که بستری برای تعامل شخصی

¹ <https://www.cl-law.com/news-events/digital-assets>

و اجتماعی کاربران در فضای سایبر می باشد. با توجه به ماهیت جدید حساب شبکه‌های اجتماعی، مسائل حقوقی متعددی در ارتباط با آن‌ها مطرح می‌شود که یکی از مهم‌ترین این مسائل، مدیریت و تعیین تکلیف آن‌ها پس از فوت کاربر است. همانطور که تعداد کاربران فضای مجازی به نحو چشم‌گیری در حال افزایش بوده، گسترش نگرانی‌ها در خصوص سرنوشت حساب‌ها و دارایی مجازی افراد پس از فوتشان نیز امری اجتناب‌ناپذیر است. بر اساس پیش‌بینی محققان، تا پایان صده جاری، تعداد کاربران متوفای فیس‌بوک از تعداد کاربران زنده آن بیشتر خواهد بود (Mali & Prakash, 2019:125). در بریتانیا نیز یک تحقیق معتبر نشان داده که ۸۵ درصد از شرکت‌کنندگان، پیامدهای مرگ کاربران نسبت به دارایی مجازی خود را در نظر نمی‌گیرند.^۲

چالش اصلی در حوزه دارایی‌های مجازی پس از فوت، صرفاً انتقال آنها بر مبنای قواعد ارث نیست و تردیدها در امکان انتقال آن دسته از دارایی ارزش اقتصادی همچون رمزارزها کمتر است. آنچه مسأله محوری را شکل می‌دهد، تردید در مالیت و قابلیت مالکیت برخی شقوق آن نظیر حساب‌های کاربری در شبکه‌های اجتماعی یا داده‌های صرفاً شخصی است. همین تردید موجب تعارض منافع میان کاربر، وراث، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات و حتی جامعه می‌گردد.

دارایی مجازی اصولاً در مالکیت کاربر قرار داشته و اراده وی در بهره‌برداری از آن نافذ و محترم است. مع الوصف، این اراده با محدودیت‌هایی مواجه است: نخست؛ ماهیت حقوقی محتوای تولیدشده توسط کاربران به طور شفاف مشخص نشده و در صورتی که این محتوا، به عنوان مصداقی از مال تلقی گردد، انتقال آن از طریق وصیت یا ارث، پس از فوت کاربر امری بدیهی خواهد بود (Darrow, 2006: 281). دوم؛ ایجاد حساب‌های کاربری و دسترسی به خدمات پلتفرم‌های دیجیتال، بر مبنای قراردادهایی است که میان کاربر و ارائه‌دهنده خدمات منعقد می‌گردد (Taheri & Shokrzadeh Hashtroudi, 2024: 190). بر اساس این قراردادها، مالکیت زیرساخت‌های فنی و نرم‌افزاری، از جمله خود حساب کاربری، متعلق به ارائه‌دهنده خدمات است و کاربران صرفاً از حق بهره‌برداری از این خدمات، بر اساس شرایط مندرج در قرارداد، برخوردارند (Harbinja, 2017: 121). از سوی دیگر، عدم توازن قدرت میان شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات و کاربران، نیز از دیگر چالش‌های این حوزه است. شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات، به دلیل برخورداری از قدرت اقتصادی و حقوقی بیشتر، می‌توانند شرایط قراردادی را به نفع خود تنظیم کنند. این امر، احتمال تضییع حقوق کاربران را افزایش می‌دهد (Roy, 2010: 376 ; Hopkins, 2013: 225). سوم؛ دسترسی به حساب‌های دیجیتال متوفی می‌تواند متضمن تعرض به حریم خصوصی اشخاص ثالث باشد؛ امری که ضرورت پیش‌بینی سازوکارهای حمایتی مؤثر از سوی قانون‌گذار را ایجاب می‌کند. چهارم آن‌که وراث، بر مبنای قواعد ارث، ذی‌نفع در مطالبه دارایی‌های دیجیتال مورث خویش‌اند و ممکن است متوفی در زمان حیات وصی یا موصی‌له را برای اداره یا تملک آن‌ها تعیین کرده باشد. افزون بر این، حساب‌های مجازی صرفاً واجد ارزش مالی نیستند، بلکه کارکرد اجتماعی نیز دارند؛ به‌گونه‌ای که حذف یا نابودی آن‌ها می‌تواند پیامدهای نامطلوبی برای جامعه در پی داشته باشد. بنابراین، در تعیین نحوه مدیریت این دارایی‌ها پس از فوت کاربر، اصولی نظیر، حریم خصوصی، قرارداد، دارایی و آزادی اطلاعات با هم تصادم داشته و منافع متعددی از قبیل منافع خود کاربر بعنوان مالک محتوا، منافع نمایندگان و وراث بعنوان قائم مقام کاربر، منافع سایر کاربران فضای مجازی مرتبط با کاربر متوفی، منافع شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات دارایی مجازی و منافع

² <https://digitallegacyassociation.org/wp-content/uploads/2018/02/Digital-Legacy-Association-Digital-Death-Survey-Data.htm>

عمومی جامعه با یکدیگر در تعارض قرار می‌گیرند و بدین‌سان، تعیین تکلیف دارایی‌های مجازی پس از مرگ، مسئله‌ای چندوجهی است که مستلزم ملاحظه حقوق و منافع متعارض و تدوین مقررات جامع و شفاف در این خصوص می‌باشد (Banta, 2015: 949).

این تعارض منافع، به دلیل فقدان قوانین و مقررات مستقل درباره سرنوشت دارایی مجازی پس از فوت کاربر در حقوق ایران، پیچیدگی‌های خاصی را ایجاد کرده است. در این مقاله، پس از ارائه توضیحات ضروری در خصوص مفهوم دارایی مجازی، به واکاوی ضرورت برنامه ریزی جامع نسبت به این اموال و تبیین چالش‌های موضوع پرداخته شده و سپس به بررسی منافع هر یک از ذینفعان در مدیریت دارایی دیجیتال متوفی پرداخته می‌شود. تعارضات موجود بین این منافع تحلیل شده و در نهایت پس از تبیین نوآوری‌های ارائه‌شده توسط قانون RUFADAA، پیشنهادهای برای حل این تعارضات و تدوین یک چارچوب حقوقی جامع و کارآمد ارائه خواهد شد.

۱- مفهوم دارایی مجازی

«دارایی» در یک تقسیم‌بندی بنیادین بر مبنای وجود یا فقدان عینیت فیزیکی، به دو قسم اموال مادی و مجازی قابل تفکیک است. تمایز اصلی میان این دو گونه، ناظر بر جنبه خارجی و ملموس بودن اموال است. اموال مادی، از حیث برخورداری از وجود عینی و محسوس در عالم خارج، در زمره دارایی ملموس قرار می‌گیرند؛ در حالی که اموال مجازی، ماهیتی اعتباری داشته و در بستر فضای دیجیتال و ساختارهای غیرملموس سایبری جای می‌گیرند (Coner, 2010: 4). این تحول مفهومی، در نظام‌های حقوقی نیز بازتاب یافته و اغلب این نظام‌ها، طی دهه‌های اخیر، کوشیده‌اند تا تعریف سنتی و محدود از «مال» را که عمدتاً ناظر بر مصادیق عینی و ملموس بود، به سمت شمول اموال فکری، غیرمادی و نامحسوس گسترش دهند (Kutner, 2011: 1664). با این حال، در نظام‌های حقوقی رایج، تعریف واحد، جامع و روشنی از «مال» به‌ویژه در شاخه اموال عینی ارائه نگردیده، بلکه مفسران صرفاً از طریق ارائه معیارهای مفهومی کوشیده‌اند تا درک نظام‌مندی از این مفهوم بنیادین ارائه دهند. با وجود این، برخی از دیدگاه‌ها در تلاش برای تبیین دامنه شمول این دسته از دارایی‌ها، هر نوع فایل رایانه‌ای، درایو ذخیره‌سازی، وب‌سایت یا حساب کاربری در فضای دیجیتال را در زمره دارایی مجازی جای‌داده‌اند (Dosch, 2010).

با تأمل در تعریف پیش‌گفته، می‌توان دریافت که چنین تعریفی فاقد شرط مانعیت بوده و از کفایت تحلیلی لازم برای تحدید مفهومی «دارایی مجازی» برخوردار نیست، زیرا تمامی فایل‌های موجود در فضای دیجیتال، بالضروره واجد ارزش مبادله‌ای نبوده و وجود یک فایل یا داده در بستر فضای مجازی، نمی‌تواند به تنهایی موجب شناسایی آن به عنوان دارایی مجازی گردد، مگر آن‌که آن داده دیجیتال، متضمن ارزش اقتصادی قابل تقویم و قابلیت انتقال در گردش اقتصادی باشد.

برخی پژوهشگران کوشیده‌اند تا دارایی مجازی را به مثابه هرگونه دارایی نامشهودی که واجد ارزش شخصی یا اقتصادی بوده و به صورت آنلاین ایجاد، خریداری یا ذخیره می‌گردد، تعریف نمایند (Harbinja, 2017: 124). بر مبنای این تلقی، دامنه شمول دارایی‌های مجازی، طیفی وسیع از اطلاعات الکترونیکی را دربر می‌گیرد که غالباً در حساب‌های کاربری نگهداری و ذخیره شده و قابلیت انتقال و مبادله در محیط‌های دیجیتال را دارا هستند؛ محیط‌هایی که تحت مدیریت و کنترل شرکت‌ها یا پلتفرم‌هایی قرار دارند که خدمات دارایی مجازی را به کاربران ارائه می‌نمایند (Hopkins, 2013: 211).

مفهوم حساب کاربری در شبکه‌های اجتماعی واجد ماهیتی ترکیبی و چندوجهی است که آن را از اموال سنتی متمایز می‌سازد. از منظر فنی، حساب کاربری ساختاری قراردادی است که توسط شرکت ارائه‌دهنده خدمات دیجیتال ایجاد و مدیریت می‌شود و به کاربر صرفاً حق دسترسی و بهره‌برداری از امکانات پلتفرم را اعطا می‌کند. بنابراین، قالب و زیرساخت حساب از حیث مالکیت، در اختیار متولی خدمات باقی می‌ماند. بنابراین، همان‌گونه که دارایی مادی مستلزم ظرف فیزیکی و محل نگهداری معین برای نگهداری و مدیریت هستند، دارایی‌های مجازی نیز در قالب بسترهای دیجیتال و محیط‌های مبتنی بر وب، در حساب‌های کاربری^۳ خاصی نگهداری می‌شوند؛ حساب‌هایی که به موجب ترتیبات قراردادی، از سوی شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات دارایی مجازی برای کاربران ایجاد گردیده و کاربر را در موقعیتی قرار می‌دهد که بتواند به عنوان دارنده یا بهره‌بردار اصلی، مدیریت، انتقال یا بهره‌برداری از دارایی مجازی خود را اعمال نماید (میرشکاری، ۱۳۹۷: ۵۰).

در خصوص تبیین وضعیت مالکیت حساب‌های مجازی، باید میان دو ساحت «مالکیت ساختار حساب» و «مالکیت محتوای حساب» تفکیک قائل شد: از یک سو، با توجه به اینکه ایجاد، پشتیبانی و ارائه حساب توسط شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات آن صورت می‌گیرد، مالکیت حساب کاربری، متعلق به همان شرکت‌هاست و کاربران صرفاً در چارچوب شرایط قراردادی و مقررات ناظر بر استفاده از خدمات، مجاز به بهره‌برداری از آن هستند. با این حال، نمی‌توان از این پیش‌فرض نتیجه گرفت که حقوق کاربر نسبت به محتوای ذخیره‌شده در این حساب‌ها نفی یا تضعیف می‌شود. کاربر به عنوان بهره‌بردار حقیقی، در بستر این حساب‌ها اقدام به تولید، ذخیره و گردآوری داده‌ها و دارایی‌های دیجیتال می‌نماید؛ داده‌هایی که حسب مورد می‌توانند واجد ارزش شخصی، اقتصادی یا فرهنگی بوده و موضوع حق مالکیت فکری یا دارایی مجازی محسوب شوند. در این راستا، اسناد سیاست‌گذاری و مقررات داخلی بسیاری از پلتفرم‌ها نیز مؤید این تمایز مالکیتی‌اند. برای نمونه، در اعلامیه شرکت فیس‌بوک (متا کنونی)، به صراحت آمده که کاربر، مالک محتوایی است که در بستر این پلتفرم، محصولات ایجاد کرده یا به اشتراک می‌گذارد و هیچ یک از مفاد این شرایط، ناقض حقوق مالکیت کاربر نسبت به محتوای تولیدشده وی نیست.^۴

در همین راستا، بسیاری از شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات حساب، از جمله گوگل و دراپ‌باکس^۵، در چارچوب توافق‌نامه‌های موسوم به «شرایط استفاده از خدمات»^۶ بر شناسایی و پذیرش مالکیت کاربران نسبت به محتوای تولید شده توسط ایشان تصریح نموده‌اند. شرایط خدمات گوگل، به صراحت تصریح می‌کند: «برخی از خدمات ما به شما امکان می‌دهند محتوا را بارگذاری، ارسال،

^۳ مفسران در تحلیل ساختاری حساب‌های مجازی، آن‌ها را با توجه به موضوع فعالیت، به چهار گروه عمده تقسیم نموده‌اند: نخست، حساب شخصی که کارکرد اصلی آن معطوف به بهره‌برداری شخصی کاربران بوده و مصادیقی چون حساب‌های ایمیل را شامل می‌شوند؛ حساب‌هایی که عمدتاً جهت تبادل پیام‌ها و اطلاعات خصوصی به کار می‌روند (Katz, 1993: 427). دوم، حساب‌های اجتماعی که با محوریت تعامل، ارتباط و اشتراک‌گذاری محتوا میان کاربران در بستر شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته‌اند؛ از جمله اینستاگرام، تلگرام، توئیتر، لینکدین، یوتیوب و تیک‌تاک (Standage, 2013: 8). سوم، حساب‌های تجاری که به منظور تسهیل خرید و فروش، اجاره و دیگر تعاملات اقتصادی در بستر فضای مجازی به وجود آمده‌اند؛ پلتفرم‌هایی نظیر آمازون از مصادیق برجسته این نوع حساب‌ها به شمار می‌روند. و نهایتاً، چهارم، حساب‌های مالی که به مدیریت دارایی‌ها و تسهیل تراکنش‌های مالی اختصاص دارند؛ از جمله این موارد می‌توان به حساب‌های معاملاتی بورس، کیف‌پول‌های رمزارزی، صرافی‌های دیجیتال و درگاه‌های پرداخت نظیر E-Pay و اپلیکیشن‌هایی چون آسان‌پرداخت اشاره کرد (Beyer & Cahn, 2013: 137).

^۴ <https://www.facebook.com/terms/>

^۵ <https://www.dropbox.com/terms>

^۶ Terms of Service

ذخیره یا دریافت کنید. شما مالکیت هرگونه حقوق مالکیت فکری که نسبت به آن محتوا دارید را حفظ می‌کنید. به‌بیان‌دیگر، آنچه متعلق به شماست، همچنان متعلق به شما باقی می‌ماند.^۷

شرکت Oath Holdings - مالک پیشین خدمات Yahoo Mail و AOL.com - در متن رسمی شرایط خدمات خود به صراحت اعلام می‌دارد: «جز در مواردی که تحت شرایط یا دستورالعمل‌های خاص یکی از خدمات ما صراحتاً خلاف آن مقرر شده باشد، زمانی که محتوایی را در خدمات ما بارگذاری، ارسال یا به اشتراک می‌گذارید، شما مالکیت کلیه حقوق مالکیت فکری خود را نسبت به آن محتوا حفظ می‌کنید.» این عبارت، به وضوح حاکی از آن است که علی‌رغم بهره‌برداری شرکت از محتوا در راستای ارائه خدمات، هیچ‌گونه انتقال مالکیتی نسبت به حقوق مالکیت فکری محتوای کاربر به نفع شرکت صورت نمی‌گیرد و کاربر همچنان دارنده حق اصلی نسبت به آن محسوب می‌شود.^۸

بدین ترتیب، آنچه از شرایط قراردادی این شرکت‌ها استنباط می‌شود، عبارت است از تثبیت دوگانه‌ی مالکیتی در ساختار حساب‌های مجازی: از یک‌سو، مالکیت پلتفرم و حساب به عنوان قالب فنی، در اختیار شرکت ارائه‌دهنده باقی می‌ماند و از سوی دیگر، مالکیت بر داده‌های دیجیتال درون حساب، در تملک انحصاری کاربر قرار دارد. این تفکیک مفهومی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحلیل حقوقی وضعیت محتوای حساب در مواردی چون انقضای حساب، انتقال قهری ناشی از فوت، و یا اعمال حقوق قراردادی شرکت خواهد داشت.

۲- ضرورت برنامه‌ریزی میراث مجازی کاربران پس از فوت

تأمل در شیوه اداره، صیانت و انتقال دارایی مجازی، برای زمان پس از فوت یا حجر کاربر، ضرورتی گریزناپذیر در نظام‌های حقوقی معاصر می‌باشد و یکی از چالش‌های موجود، ناسازگاری مفهومی دارایی‌های مجازی با چارچوب‌های سنتی مالکیت است؛ چارچوب‌هایی که در حقوق اموال، عمدتاً بر خصایصی نظیر عینیت، قابلیت تصرف فیزیکی، رقابت‌پذیری و محدودیت در بهره‌برداری استوار بوده‌اند. دارایی مجازی، به دلیل ماهیت غیرمادی، ظرفیت تکثیر نامحدود، و گاه وابستگی به حساب‌های ارائه‌شده توسط شرکت‌ها، به دشواری در قالب این مؤلفه‌های کلاسیک می‌گنجد و این امر، تحلیل مالکیت و قابلیت انتقال آن‌ها را با پیچیدگی‌هایی مواجه ساخته است (Harbinja, 2017: 220-225).

با امعان نظر به اینکه اموال مجازی، واجد مالیت بوده و قابلیت تملک از سوی کاربر را دارا می‌باشند، تردیدی نیست که کاربر می‌تواند، همانگونه که در زمان حیات خود، هرگونه تصرفی را در این دسته از دارایی‌های خود اعمال می‌نماید؛ برای پس از ممات خویش نیز تصمیمات مقتضی را اتخاذ نماید؛ از جمله آن‌که از طریق نهاد حقوقی وصیت، اقدام به تملیک آن به دیگری پس از فوت نموده و یا مدیریت آن‌ها را به شخص وصی بسپارد. بر همین اساس، بدون برنامه‌ریزی مناسب، میراث مجازی ما ممکن است پس از مرگ از بین برود یا غیرقابل دسترس شود. نظام حقوقی ایران، علی‌رغم برخورداری از قواعد عام در باب ارث، وصیت و مالکیت، فاقد مقررات اختصاصی در زمینه مدیریت دارایی‌های مجازی پس از فوت است و بدین‌سان، نه تنها مفهوم «دارایی مجازی» به

⁷ [https://policies.google.com/terms?hl=en-US#toc-content%20\[https://perma.cc/9LMVT6GY\]](https://policies.google.com/terms?hl=en-US#toc-content%20[https://perma.cc/9LMVT6GY]).

⁸ <https://perma.cc/BZ6M-JAMB>

صراحت در قوانین ایران شناسایی نشده، بلکه سازوکار روشنی برای تعیین تکلیف حساب‌های دیجیتال کاربران متوفی نیز پیش‌بینی نگردیده که این مهم تدوین یک برنامه جامع برای مدیریت و حفظ دارایی‌های مجازی پس از مرگ را اقتضا می‌نماید. مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۲ در ایالات متحده آمریکا انجام شد، نشان داد که سالانه حدود دو و نیم میلیون مورد سرقت هویت از افراد متوفی رخ می‌دهد. در این موارد، سارقان با استفاده از اطلاعات هویتی مسروقه، اقدام به اخذ کارت‌های اعتباری، ایجاد خطوط تلفن همراه و سوءاستفاده از شماره‌های تأمین اجتماعی کرده‌اند. این پژوهش همچنین مواردی از سرقت هویت علیه افرادی که در وضعیت احتضار بوده‌اند را نیز شناسایی کرده‌است که تعداد آن‌ها «چند صد هزار» مورد گزارش شده‌است.^۹

برنامه‌ریزی میراث مجازی تنها به حفاظت از ثروت محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل تعیین یک طرح برای نحوه رسیدگی و توزیع دارایی‌های مجازی نیز می‌باشد، در این راستا، برنامه‌ریزی دارایی مجازی باید با سه موضوع محوری را دربرگیرد: (۱) شناسایی دارایی‌ها؛ (۲) فراهم کردن دسترسی به دارایی‌ها؛ و (۳) تحقق خواسته‌های متوفی.

۳- منافع معارض در برنامه‌ریزی دارایی مجازی پس از فوت

1.3. منافع شخص کاربر

دارایی مجازی، محصول فعالیت، خلاقیت و تعامل شخصی کاربران در بسترهای دیجیتال است و به‌عنوان بخشی از دستاوردهای فردی ایشان، از جنبه حقوقی مستحق شناسایی منافع خاص خود می‌باشد. در این چارچوب، بررسی منافع بالقوه در خصوص دارایی‌های مزبور، مستلزم توجه ویژه به حقوق و مصالح شخص کاربر است و بنیادی‌ترین حق کاربر در این زمینه، حق تعیین سرنوشت دارایی‌های مجازی خود پس از وفات است. دارایی مجازی غالباً حاوی داده‌های شخصی، اختصاصی یا حتی محرمانه‌ای هستند که انتقال آن‌ها به اشخاص معین پس از فوت و یا دسترسی آزاد شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات به این اطلاعات، به علت خطر نقض حریم خصوصی کاربر، با مخالفت وی مواجه شود (Harbinja, 2019:443).

علاوه بر آن، بسیاری از کاربران در طول زندگی خود محتوای دیجیتالی تولید می‌کنند که بخشی از هویت و میراث آن‌ها را تشکیل می‌دهد. این محتوا ممکن است شامل پست‌های شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، عکس‌ها، ویدئوها و سایر موارد باشد. کاربران ممکن است تمایل داشته باشند که این محتوا پس از فوتشان حفظ شود و در دسترس عموم قرار گیرد.

ذکر این نکته لازم است که قراردادهای منعقد بین شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات و کاربران که در مقام تعیین حقوق و تکالیف طرفین در خصوص دارایی‌های دیجیتال بوده، حقوق کاربران را محدود می‌کنند. افزون بر آن، ماهیت این قراردادها، که معمولاً غیرقابل مذاکره هستند، چالش‌های قابل توجهی را به همراه دارد و کاربران ناگزیر به پذیرش شرایط مندرج در این قراردادها هستند و شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات، با گنجاندن شروط خاص در قراردادهای خود، می‌توانند انتقال دارایی مجازی را به طور کامل یا جزئی کنترل کنند.

2.3. منافع شرکت ارائه‌دهنده خدمات

⁹ <https://www.nbcnews.com/business/consumer/study-id-thieves-robbing-grave-2-5-million-dead-hit-flna729283>

سیاست غالب شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات در فضای دیجیتال در مدیریت حساب‌های کاربری متوفا، غیرفعال‌سازی و نهایتاً خاتمه دادن به حساب‌ها است. این سیاست، بدون توجه به اراده یا وصیت کاربر متوفا، اعمال می‌گردد و توجیه اصلی شرکت‌ها، ملاحظات مربوط به حفظ حریم خصوصی کاربران است (Banta, 2016: 960).

در نظام کامن لا، این باور غالب وجود دارد که حقوق مربوط به شخصیت، از جمله حق حریم خصوصی، با فوت اشخاص زائل شده و قابل انتقال به وراث نمی‌باشد و به همین ترتیب، حریم خصوصی پس از وفات نیز مشمول حمایت‌های قانونی قرار نمی‌گیرد (میرشکاری و فتاحی کتله، ۱۴۰۰: ۲۴۹). با این حال، قراردادهای خصوصی قادرند با اعطای حق انتخاب و کنترل بیشتر بر حریم خصوصی کاربران پس از مرگ، خلأهای موجود در نظام کامن لا را مرتفع سازند. به عنوان مثال، شرکت گوگل در سرویس «مدیریت حساب غیرفعال» این امکان را برای کاربران فراهم آورده تا تعیین نمایند چه اشخاصی پس از وفات، به داده‌های حساب کاربری ایشان دسترسی داشته باشند.

به نظر می‌رسد که شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات، از بهانه حریم خصوصی برای توجیه سیاست‌های خود در غیرفعال‌سازی حساب کاربری متوفیان استفاده می‌کنند. این سیاست‌ها، اغلب با منافع وراث و خواسته‌های متوفی در تضاد است. در بسیاری از قراردادهای ارائه خدمات دیجیتال، شروطی به صورت پیش‌فرض گنجانده شده که به موجب آن، حساب‌های کاربری پس از فوت دارنده، به طور خودکار خاتمه می‌یابند. این امر، بدون در نظر گرفتن اراده و خواسته کاربر، اعمال می‌شود. به عنوان مثال، در توافق‌نامه خدمات یاهو، کاربران با ایجاد حساب کاربری، حق انتقال یا بقای حساب خود پس از مرگ را سلب می‌کنند.^{۱۰}

استفاده ابزاری از حریم خصوصی به عنوان ابزاری برای کنترل و مدیریت اطلاعات کاربران از سوی شرکت‌ها، به ویژه در شرایطی که شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات، از قدرت انحصاری در دسترسی به اطلاعات کاربران برخوردارند، قابل تامل بوده و لازم است که در بررسی سیاست‌های شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات، به ادعای آن‌ها در خصوص حفظ حریم خصوصی، با دیدی انتقادی نگریسته شود (میرشکاری، ۱۳۹۶: ۵۲).

بی تردید، بخشی از دغدغه شرکت‌ها مربوط به نگرانی از ایجاد بستر انتقال محتوای حساب به ذی نفع پس از فوت کاربر است، زیرا ایجاد چنین بستری مستلزم اختصاص بودجه و منابع قابل توجه از سوی شرکت است. با این اوصاف، یکی از گزینه‌ها برای انتقال میراث مجازی شامل استفاده از رمز عبور به نحوی که شرکت، رمز عبورهای متعددی را ذخیره می‌کند که پس از مرگ کاربر برای شخص معرفی شده ارسال می‌شود (Mali & Prakash, 2019:129).

در بررسی رویه عملی شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات در فضای دیجیتال، ملاحظه می‌شود که سیاست‌های آن‌ها در خصوص قابلیت نقل و انتقال دارایی‌های مجازی، اغلب با رویکردی دوگانه و متناقض مواجه است. برای مثال، توافق‌نامه شرایط خدمات یاهو، صراحتاً بیان می‌دارد که «همه حساب‌های یاهو غیرقابل انتقال هستند و هرگونه حق مربوط به آن‌ها پس از مرگ صاحب حساب خاتمه می‌یابد».^{۱۱} توافق‌نامه شرایط خدمات دراپ‌باکس حاوی ممنوعیت‌های مشابهی در برابر واگذاری محتوای حساب می‌باشد.^{۱۲} شرایط

¹⁰ <https://legal.yahoo.com/us/en/yahoo/terms/otos/index.html>

¹¹ <https://legal.yahoo.com/us/en/yahoo/terms/otos/index.html>

¹² <https://www.dropbox.com/terms>

خدمات فیس‌بوک به طور مشابه اعلام می‌کند که «شما هیچ یک از حقوق یا تکالیف خود را تحت این شرایط بدون رضایت ما به شخص دیگری منتقل نخواهید کرد».^{۱۳} این سیاست، نشان‌دهنده رویکردی است از حق دسترسی کاربران به اطلاعات و داده‌های مجازی چشم پوشی می‌نماید.^{۱۴}

با این حال، رویکردی که انتقال یا واگذاری حساب کاربری را ممنوع می‌سازد، در تضاد با برخی عبارات مندرج در توافق‌نامه‌های خدمات قرار دارد که بر حق مالکیت کاربران بر محتوای تولیدی‌شان تأکید می‌کنند. مقرراتی که به ذی‌نفع اجازه می‌دهند تا کنترل کامل و حقوق دسترسی به حساب کاربری را سلب نموده و حتی محتویات آن را حذف نمایند، تنها در صورتی از اعتبار قانونی برخوردار خواهند بود که هیچ منفعت مالکیت زیربنایی قابل انتقالی وجود نداشته باشد. این امر در حالی است که تصریح خود شرکت‌ها، وجود چنین منافعی را تصدیق می‌نماید (Banta, 2017: 1131).

در سال ۲۰۱۳، شرکت گوگل با ارائه سرویس «مدیر حساب غیرفعال» به عنوان نخستین راهکار درون‌سرویس در صنعت فناوری، در راستای مدیریت و تعیین تکلیف دارایی‌های دیجیتال پس از فوت کاربران، گامی پیشرو برداشت که بر اساس آن، کاربران می‌توانند مخاطبین مورد اعتمادی را به منظور دریافت داده‌های حساب خود، در صورت عدم فعالیت در بازه زمانی ۳ تا ۱۸ ماه، تعیین کنند. مخاطبین مورد اعتماد، پس از احراز هویت، مجاز به ذخیره داده‌های تعیین شده توسط کاربر خواهند بود. همچنین، کاربران می‌توانند صرفاً نسبت به اطلاع مخاطبین از غیرفعال‌بودن حساب و حذف کامل داده‌ها، اقدام نمایند. دسترسی به حساب از طریق لینک مستقیم موجود در تنظیمات حساب کاربری (بخش اطلاعات شخصی و حریم خصوصی) فراهم شده است.^{۱۵}

با این وجود، در صورت عدم تنظیم سرویس مزبور توسط کاربر، گوگل گزینه‌های دیگری را نیز ارائه می‌نماید که شامل بستن حساب کاربری متوفی، درخواست وجوه موجود در حساب، و دریافت داده‌های حساب کاربری است. لازم به ذکر است که این فرآیند، اختیاری بوده و گوگل هیچ‌گونه تعهد قطعی در خصوص انجام درخواست‌های ارائه شده، ندارد.

رویکرد فیس‌بوک در خصوص مدیریت حساب‌های کاربری متوفیان، که در بیانیه حقوق و مسئولیت‌ها و سیاست استفاده از داده‌ها منعکس شده، شامل سه گزینه اصلی یادبود، حذف یا غیرفعال‌سازی حساب و مخاطب میراث است (Harbinja, 2017: 124). یادبود، با هدف حفظ یاد و خاطره متوفی، حساب کاربری او را در حالت یادمان قرار می‌دهد تا این امر، مانع از دسترسی هر فردی، حتی کسانی که اطلاعات ورود و رمز عبور معتبر دارند، به حساب کاربری شود. امکان ارسال پیام خصوصی به حساب یادبود شده وجود دارد و محتوای به اشتراک گذاشته شده توسط متوفی، بر اساس تنظیمات حریم خصوصی زمان حیات او، برای مخاطبان قابل مشاهده

¹³ <https://www.facebook.com/terms.php>

¹⁴ با این اوصاف از جمله انتقادات وارده به اعلامیه‌های شرکت‌ها، بی‌توجهی به ساختار عینی و حق دسترسی است. برخی از مصادیق دارایی‌های مجازی، مانند رمزارزها یا دارایی‌های مبتنی بر فناوری بلاک‌چین، به لحاظ برخورداری از ارزش اقتصادی قابل تقویم و قابلیت مبادله در گردش اقتصادی، واجد وصف مالیت بوده و می‌توانند در زمره اموال عینی غیرمادی قابل انتقال قرار گیرند؛ در حالی که داده‌هایی نظیر ایمیل‌ها، مکاتبات شخصی یا پست‌های شبکه‌های اجتماعی، به دلیل پیوند وثیق با هویت فردی و خلأقت شخصی کاربر، بیشتر به حوزه حقوق شخصی و شخصیت‌محور تعلق یافته و انتقال آن‌ها پس از فوت، تابع محدودیت‌های ناشی از قواعد مالکیت فکری یا شروط قراردادی شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات خواهد بود. بدین ترتیب، تمایز میان دو دسته مزبور، آثار مستقیم بر قابلیت انتقال و سرنوشت دارایی‌های دیجیتال پس از مرگ بر جای می‌گذارد.

¹⁵ <https://support.google.com/accounts/answer/3036546?hl=en>

باقی می‌ماند. همچنین، دوستان تأیید شده، بسته به تنظیمات حریم خصوصی، امکان ارسال پست به حساب شخصی متوفا را خواهند داشت. حساب‌های یادبود شده، از پیشنهادات «افرادی که ممکن است بشناسید» و سایر پیشنهادات و اعلان‌ها حذف می‌شوند و امکان برچسب‌گذاری متوفی در پست‌ها و عکس‌های جدید وجود نخواهد داشت. حذف دوستی با حساب یادبود شده، دائمی بوده و امکان افزودن دوستی جدید به آن وجود ندارد.

فیس‌بوک، علاوه بر یادبود، گزینه حذف حساب کاربری را نیز ارائه می‌دهد اما شرایط این گزینه، مبهم و کلی است و تنها «اعضای بلافاصله خانواده تأیید شده» یا مجری وصیت می‌توانند درخواست حذف حساب را ارائه دهند و رابطه آن‌ها با متوفی باید مورد تأیید قرار گیرد. فیس‌بوک، تنها به «پردازش» این درخواست‌ها متعهد می‌شود و تعهد قطعی به انجام درخواست‌های خاص نمی‌دهد.^{۱۶} صرف‌نظر از توجیحات شرکت‌ها در حفظ حریم خصوصی کاربر، این نکته حائز اهمیت است که دسترسی به محتوای حساب‌های کاربری، به ویژه پس از فوت دارنده، می‌تواند منجر به نقض حریم خصوصی وی شود. این امر، به ویژه در مواردی که اطلاعات حساس و شخصی در حساب کاربری ذخیره شده باشد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. با این حال، در مواردی که کاربر در زمان حیات، اراده خود را مبنی بر انتقال میراث دیجیتال خود به دیگری اعلام نموده باشد، می‌توان این اقدام را به منزله چشم‌پوشی ضمنی وی از حق حریم خصوصی تلقی نمود. در واقع، کاربر با اعلام اراده خود، رضایت ضمنی خود را به دسترسی اشخاص ثالث به محتوای حساب کاربری پس از فوت، اعلام می‌نماید (میرشکاری، ۱۳۹۶: ۵۹).

3.3. منافع سایر کاربران (حریم خصوصی)

کاربران متوفی در طول حیات خود ارتباطات خصوصی و حرفه‌ای متعددی را در بسترهای دیجیتال ایجاد کرده‌اند که شامل پیام‌های شخصی، تصاویر، ویدئوها و سایر داده‌های حساس است. چنانچه وارثان یا اشخاص ثالث به این اطلاعات دسترسی پیدا کنند، احتمالاً داده‌های خصوصی سایر کاربران نیز در معرض افشا قرار خواهد گرفت. این موضوع به ویژه در بسترهایی نظیر واتس‌آپ، تلگرام، اینستاگرام و ایمیل‌های شخصی حساس‌تر خواهد بود، چراکه مکالمات و فایل‌های به اشتراک گذاشته‌شده اغلب حاوی اطلاعات محرمانه یا خصوصی هستند (ایران‌نژاد و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۰۶).

علاوه بر افرادی که در ارتباط مستقیم با متوفی بوده‌اند، دسترسی به حساب‌های دیجیتال وی ممکن است موجب افشای اطلاعات اشخاصی گردد که حتی از تعاملات خود با متوفی در فضای مجازی آگاه نیستند. برای مثال، مکاتبات کاری، پیام‌های ارسال‌شده به افراد غریبه، و یا حتی داده‌های ذخیره‌شده در فضاهای ابری می‌توانند اطلاعات محرمانه اشخاص ثالث را فاش کنند. این موضوع در مواردی مانند اطلاعات بانکی، معاملات مالی، یا اسرار شخصی و خانوادگی حساس‌تر خواهد بود.

یکی از راهکارهای پیشنهادی، ایجاد سازوکارهای شفاف و دقیق برای تعیین حدود دسترسی به میراث دیجیتال متوفی است. این سازوکارها، باید با در نظر گرفتن نوع محتوا، سطح ارتباطات با سایر کاربران، و رضایت آن‌ها، تعیین کنند که چه اطلاعاتی قابل دسترسی است و چه اطلاعاتی باید محافظت شود (میرشکاری و فتاحی‌کی‌لته، ۱۳۹۹: ۱۹۰).

¹⁶ <https://en-gb.facebook.com/help/contact/228813257197480>

4.3. منافع نمایندگان قانونی کاربر

مفهوم مالکیت با قابلیت انتقال دارایی‌ها، پیوندی ناگسستنی دارد. این پیوند، به ویژه در حوزه حقوق ارث و وصیت نمود بازی می‌یابد و توانایی یک فرد برای انتقال دارایی‌های خود پس از فوت، مستقیماً به چگونگی مالکیت او بر دارایی خود در زمان حیات بستگی دارد. در این راستا، رویه قضایی ایالات متحده، به ویژه در محاکم فدرال، رویکردهای متفاوتی را اتخاذ نموده است: در برخی موارد، دادگاه‌ها با رویکردی محدودتر، بر این اصل تأکید کرده‌اند که صرفاً اموالی قابل انتقال از طریق ارث هستند که متوفی در زمان حیات، تصرف و کنترل مستقیم بر آن‌ها داشته‌است. این رویکرد، بر جنبه عینی و ملموس مالکیت تأکید دارد و انتقال دارایی‌های غیرملموس یا دارایی‌هایی که تصرف مستقیم بر آن‌ها وجود نداشته را با محدودیت‌هایی مواجه می‌سازد. در مقابل، برخی دیگر از دادگاه‌ها، با اتخاذ رویکردی موسع‌تر، ضمن ارائه تفسیر گسترده‌تر از مفهوم انتقال ثروت، بر این باور بوده که دارایی‌هایی که متوفی به طور غیرمستقیم یا از طریق حقوق و تعهدات قراردادی، بر آن‌ها مالکیت داشته نیز می‌توانند به عنوان بخشی از ماترک، قابل انتقال باشند. این رویکرد، ضمن همگام بودن با تحولات اقتصادی و اجتماعی، جنبه انتزاعی و حقوقی مالکیت را نیز در نظر می‌گیرد و امکان انتقال طیف وسیع‌تری از دارایی‌ها را فراهم می‌سازد در حالی که رویکرد محدودتر، بر حفظ قطعیت و ثبات حقوقی تأکید دارد و از ایجاد ابهامات و اختلافات در خصوص دارایی‌های قابل انتقال جلوگیری می‌کند. (Zelinsky, 1984: 975).

در یک پرونده در کشور آلمان، دادگاه فدرال با صدور حکمی، رویکردی قابل توجه در خصوص ماهیت حقوقی قراردادهای دیجیتال و تأثیر آن‌ها بر حقوق ارث اتخاذ نمود. در این پرونده، مادر یک دختر ۱۵ ساله که در حادثه ناگوار قطار زیرزمینی در برلین جان‌باخته بود، خواستار دسترسی به حساب کاربری فیس‌بوک متوفی شد. دادگاه با استناد به اصول حقوق ارث و قراردادهای، اعلام کرد که قرارداد منعقد میان دختر متوفا و شرکت فیس‌بوک، به عنوان بخشی از ماترک متوفا تلقی شده و حقوق و تعهدات ناشی از این قرارداد، به مادر متوفی به عنوان وارث قانونی، منتقل می‌گردد.^{۱۷} دادگاه با صدور دستور دسترسی کامل مادر متوفا به حساب کاربری، دامنه شمول حقوق ارث در فضای مجازی را گسترش داد.

علاوه بر آن، پرونده شکایت تامپسون از اپل در سال ۲۰۱۹ که بر حق دسترسی وراثت به محتوای ذخیره شده در حساب‌های کاربری متوفا تمرکز داشته، قابل توجه است. در سال ۲۰۱۹، فردی به نام تامپسون، که همسر وی در گذشته بود، علیه شرکت اپل اقامه دعوا نمود و خواستار دسترسی به تصاویر و ویدئوهای ذخیره شده در حساب کاربری همسر متوفاش گردید. شرکت اپل با استناد به این استدلال که متوفی هیچ‌گونه پیش‌بینی یا تصریحی در خصوص انتقال یا دسترسی به محتوای دیجیتال خود پس از وفات نداشته است، از اعطای این دسترسی امتناع ورزید و صدور حکم قضایی را شرط لازم برای اجرای چنین درخواستی دانست. سرانجام، تامپسون موفق به اخذ حکم دادگاه گردید و به موجب این حکم، اپل ملزم به اعطای دسترسی به حساب کاربری متوفی شد.^{۱۸}

با پذیرش وصف «دارایی» برای اموال مجازی و شناسایی آن‌ها به عنوان بخشی از ماترک کاربر متوفا، مسئله انتقال و تعلق این دسته از اموال پس از فوت، در چهارچوب قواعد عمومی حقوق ارث و وصیت قرار می‌گیرد. در فرض وجود وصیت‌نامه معتبر و نافذ،

¹⁷ Facebook Told to Grant Grieving Mother Access to Daughter's Account:

<https://www.theguardian.com/world/2018/jul/12/facebook-told-grant-grieving-mother-access-daughters-account>

¹⁸ <https://digitallegacyassociation.org/bbc-breakfast/>

شخص موصی‌له یا وصی - به تناسب مورد - به عنوان نماینده ارادی کاربر در زمان حیات، قائم مقام قانونی وی در تصرف و یا اداره دارایی‌های مجازی متوفا محسوب می‌شود. در فرض فقدان وصیت، وراثت قانونی بر اساس قواعد ارث ذی نفع شناخته شده و از حق مطالبه، تصرف، بهره‌برداری و انتقال دارایی‌های مجازی بازمانده از متوفا برخوردار خواهند بود.

باین حال، ویژگی‌های خاص اموال مجازی، از جمله نامتمرکز بودن محل استقرار آن‌ها، ماهیت رمزگذاری شده و غیرفیزیکی‌شان، انحصار دسترسی به واسطه رمز عبور یا احراز هویت چندمرحله‌ای، و نیز تعلق قراردادی آن‌ها به پلتفرم‌های دیجیتال، سبب شده است که اعمال حقوق قانونی وراثت یا موصی‌له نسبت به این دارایی‌ها با چالش‌های متعدد مواجه گردد. افزون بر موانع ساختاری و قراردادی، باید به تعارض منافع میان بازماندگان کاربر متوفا و سایر ذی‌نفعان نیز توجه داشت. در حالی که منافع مشروع وراثت یا وصی در حفظ و انتقال دارایی‌های دیجیتال به ایشان نهفته است - به‌ویژه زمانی که این دارایی‌ها واجد ارزش اقتصادی، فرهنگی، شخصی یا حقوقی قابل توجه باشند - منافع شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات دیجیتال، مبتنی بر جلوگیری از انتقال و حتی حذف خودکار این حساب‌ها در صورت اعلام فوت کاربر طراحی شده است. همچنین، در مواردی ممکن است حقوق و منافع اشخاص ثالث نظیر گیرندگان پیام‌ها، شرکای تجاری یا افراد مرتبط با محتوای حساب دیجیتال متوفا، در تضاد با مطالبه حقوقی بازماندگان قرار گیرد.

با وجود این تعارضات، اصل تعلق دارایی‌های مجازی به ترکه متوفا، در صورت احراز مالکیت قانونی یا قراردادی کاربر نسبت به آن‌ها، امری پذیرفته‌شده در نظام حقوقی به‌شمار می‌آید. چنین اصلی، مبتنی بر قواعد سنتی مالکیت، انتقال ارث و اراده متوفی در قالب وصیت، قابلیت اجرا دارد و می‌تواند در صورت فقدان ممنوعیت‌های قانونی خاص، مبنای مطالبه حقوقی و طرح دعوا از سوی بازماندگان قرار گیرد.

5.3. منافع عمومی جامعه

شخصیت متوفا واجد بعدی فراتر از روابط خصوصی بوده که جامعه بعنوان ذی‌نفع اصلی حقوق مربوط به شخصیت درگذشتگان ایفای نقش نموده و دولت نیز به نمایندگی از جامعه، وظیفه حمایت از شخصیت متوفا برعهده دارد. همان‌گونه که در مواردی مانند افشای اطلاعات پزشکی درگذشتگان (ماده سه قانون طرز جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار مصوب 1320) و یا لزوم اطلاع جامعه از زندگی خصوصی مشاهیر پس از فوت، جامعه از حقوق مربوط به شخصیت درگذشتگان نفع می‌برد، جامعه در مقام ایفای نقش در جهت حمایت از این حقوق نیز مسئولیت دارد و آثار برجای مانده از کاربران متوفا که در رابطه مستقیم را شخصیت آنان هستند نیز از این مسئولیت مستثنی نمی‌باشند.

دارایی مجازی، به‌رغم آن‌که در تملک اشخاص خصوصی قرار دارند، آثار اجتماعی قابل توجهی به همراه دارند؛ از جمله شکل‌دهی به حافظه تاریخی مجازی، تسهیل در دسترسی به منابع فرهنگی و اطلاعاتی، و تأثیرگذاری بر نظام‌های هنجاری و ارزشی جامعه. در عصر دیجیتال، هویت اجتماعی افراد به‌صورت گسترده در بسترهای مجازی بازنمایی می‌گردد. تولیدات کاربران - نظیر پست‌های شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، ویدیوها، و تعاملات دیجیتال - بخشی از سرمایه فرهنگی جامعه را تشکیل می‌دهند که می‌توانند از طریق آرشوسازی، مورد استفاده پژوهشگران، جامعه‌شناسان، مورخان و حتی نهادهای سیاست‌گذار قرار گیرند. از این منظر، مدیریت

صحیح این داده‌ها پس از فوت کاربران، می‌تواند در حفظ میراث دیجیتال ملت‌ها و تقویت بنیان‌های دانش و فرهنگ عمومی نقش‌آفرین باشد و حذف یا محدودسازی بی‌ضابطه این دارایی‌ها می‌تواند منجر به فقر حافظه جمعی، نابودی شواهد تاریخی و اختلال در نظم اطلاعاتی جامعه گردد (میرشکاری و همکاران، ۱۴۰۴: ۲۴۶).

با وجود این، فقدان چارچوب‌های قانونی روشن در خصوص نحوه نگهداری یا امحای دارایی‌های مجازی پس از فوت، منجر به آن شده که برخی شرکت‌های فناوری، صرفاً بر مبنای سیاست‌های تجاری یا نگرانی‌های حقوقی خود، اقدام به حذف یا غیرفعال‌سازی حساب‌ها نمایند، بی‌آن‌که نسبت به آثار اجتماعی و تاریخی این تصمیمات پاسخگو باشند. چنین وضعیتی، بیانگر شکاف میان منافع خصوصی و عمومی در حوزه حکمرانی دیجیتال است.

علاوه بر این، برخی داده‌های دیجیتال - به‌ویژه در حساب‌های کاربران متوفی دارای جایگاه اجتماعی یا عمومی - ممکن است حاوی اطلاعات مهم برای پیگیری‌های قضایی، تحقیق در پرونده‌های تاریخی یا حتی مطالعات سیاستی باشند. حفظ، طبقه‌بندی و در مواردی انتشار گزینشی این داده‌ها می‌تواند در خدمت تحقق حقوق شهروندی جامعه، شفافیت عمومی و عدالت اجتماعی قرار گیرد (میرشکاری و فتاحی، ۱۴۰۲: ۱۳).

در نهایت، منافع عمومی جامعه در حوزه میراث دیجیتال ایجاب می‌کند که فراتر از ملاحظات صرفاً فردی و حقوق خصوصی اشخاص، سازوکارهایی نهادی و حقوقی برای صیانت از داده‌هایی که واجد ارزش اجتماعی، تاریخی یا فرهنگی‌اند، طراحی و اجرا گردد. چنین ضرورتی به‌ویژه در مواردی برجسته می‌شود که محتوای دیجیتال کاربر متوفی نه تنها دارای اهمیت شخصی برای بازماندگان، بلکه حاوی اطلاعاتی با قابلیت اثرگذاری بر حافظه جمعی، هویت فرهنگی یا منافع عامه باشد. در این چارچوب، منافع عمومی ممکن است با منافع سایر ذی‌نفعان در تعارض قرار گیرد. در حالی که وراثت یا نمایندگان قانونی متوفی معمولاً خواهان انتقال و تملک انحصاری این دارایی‌ها هستند، منافع عمومی جامعه اقتضا دارد که برخی محتوای دیجیتال - به‌ویژه آن‌دسته که واجد جنبه عمومی یا ارزش تاریخی‌اند - از شمول تملک خصوصی خارج شده و در قالب‌هایی چون آرشیوهای ملی، مخازن عمومی اطلاعات یا حافظه دیجیتال جمعی، در دسترس عموم قرار گیرند. این مهم، صرفاً به اراده بازماندگان یا توافقات قراردادی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم مداخله نهادی و چندلایه است. از یک سو، قانون‌گذار اقدام به تبیین معیارهایی روشن برای تمایز میان داده‌های شخصی قابل انتقال و داده‌های عمومی غیرقابل تملک خواهد نمود و دولت‌ها بعنوان موثرترین بازوی جامعه در تحقق منافع عمومی، در تضمین این منافع از طریق نظارت، ایجاد و مدیریت زیرساخت‌های آرشیوی و پایگاه‌های دارایی مجازی دارند (Park & Authors, 2020: 21).

۴- قانون اصلاحی متحدالشکل دسترسی ذی‌نفعان به دارایی مجازی (RUFADAA)

در حوزه دارایی مجازی، دو قانون فدرال در ایالات متحده آمریکا به عنوان چارچوب‌های اصلی عمل می‌کنند: نخست، قانون ارتباطات ذخیره‌شده مصوب ۱۹۸۶^{۱۹} به‌عنوان یکی از بخش‌های قانون حفظ حریم ارتباطات الکترونیکی^{۲۰}. دوم، قانون کلاهبرداری و سوء-استفاده رایانه‌ای^{۲۱} مصوب ۱۹۸۶.

قانون ارتباطات ذخیره‌شده، علی‌رغم اهمیت آن در حوزه دسترسی به ارتباطات الکترونیکی و جرم‌انگاری دسترسی غیرمجاز به ارتباطات الکترونیکی کاربران متوفا، به وضعیت این ارتباطات پس از فوت کاربر نمی‌پردازد. همچنین، این قانون، ارائه‌دهندگان خدمات ارتباطات الکترونیکی از افشای آگاهانه محتویات هرگونه ارتباط ذخیره‌شده یا در حال انتقال در سرویس خود منع می‌کند، مگر آن‌که رضایت قانونی مبداء، گیرنده مورد نظر، یا مشترک خدمات محاسبات از راه دور، اخذ شده‌باشد.

قانون کلاهبرداری و سوءاستفاده رایانه‌ای نیز، همانند قانون نخست، به وضعیت دارایی‌های مجازی پس از فوت یا ناتوانی کاربر نمی‌پردازد، اما اقداماتی خاص در رابطه با دارایی‌های دیجیتال نظیر دسترسی غیرقانونی به داده‌های محافظت شده برای کسب منافع مالی کمتر از پنج هزار دلار در سال را جرم‌انگاری می‌کند. در نهایت باید گفت، هر دو قانون مزبور با وجود اهمیت بسیار زیاد در حفظ حریم خصوصی و امنیت دارایی دیجیتال، به طور کامل به وضعیت دارایی‌های مجازی پس از فوت یا ناتوانی کاربر نمی‌پردازند، و این امر چالش‌های قانونی را در این زمینه ایجاد می‌کند.

تحولات قانون‌گذاری در حوزه دارایی‌های مجازی در ایالات متحده آمریکا، مسیری تدریجی را طی کرده و نقطه آغازین تلاش‌ها برای قانون‌گذاری در زمینه دارایی‌های دیجیتال، به سال ۲۰۰۵ بازمی‌گردد. دلیل آن نیز افزایش چشمگیر استفاده از فناوری‌های دیجیتال بود. در این راستا، به نظر می‌رسد پرونده بحث برانگیز جاستین السورث، به‌عنوان نخستین چالش عملی موجود، نقش مهمی در تسریع روند قانون‌گذاری در این حوزه ایفا داشته است. بر اساس پرونده مزبور، پس از فوت یک سرباز آمریکایی در جنگ عراق، پدر او قصد داشت با جمع‌آوری تصاویر و ایمیل‌های فرزندش، مجموعه‌ای از خاطرات او را ایجاد کند. پدر سرباز، از شرکت یاهو درخواست دسترسی به حساب ایمیل فرزندش را نمود اما یاهو، با استناد به شروط قراردادی که دسترسی به حساب کاربران را محدود می‌کرد، از ارائه دسترسی خودداری کرد. این موضوع به دادگاه کشیده شد و در نهایت، دادگاه حکم به الزام یاهو به ایجاد دسترسی به محتوای حساب برای پدر سرباز متوفا صادر کرد.^{۲۲}

در ژوئیه سال ۲۰۱۲، کمیسیون قانون متحد آمریکا، به منظور تدوین و اصلاح قوانین مرتبط با اموال مجازی، کمیته‌ای تحت عنوان «کمیته دسترسی ذی‌نفعان به دارایی‌های مجازی» را تأسیس نمود. هدف این کمیته، تهیه پیش‌نویس قانون و یا اصلاح قوانین موجود کمیسیون قانون متحد (شامل قانون وصیت‌نامه متحد، قانون تراست متحد، قانون سرپرستی و مراحل حمایتی متحد و قانون وکالت‌نامه متحد) بود، به نحوی که ذی‌نفعان بتوانند دارایی مجازی را مدیریت، توزیع، کپی، حذف و به آن‌ها دسترسی پیدا کنند. پس از اعمال اصلاحات متعدد، قانون دسترسی ذی‌نفعان به دارایی مجازی (UFADAA) در ژوئیه ۲۰۱۴ توسط کمیسیون قوانین متحد به تصویب

¹⁹ Stored Communications Act - SCA

²⁰ Electronic Communications Privacy Act - ECPA

²¹ Computer Fraud and Abuse Act - CFAA

²² In re Estate of Ellsworth, 310 Ill. App. 223, 33 N.E.2d 887 (Ill. App. Ct. 1941).

رسید. به موجب مفاد پیش فرض این قانون، در غیاب منع صریح متوفی، دسترسی گسترده‌ای به حساب‌های مجازی برای ذی‌نفعان مقرر گردید.

این فرآیند با مخالفت‌هایی از سوی شرکت‌های معروف فناوری، نظیر گوگل و فیس‌بوک، همراه بود. این مخالفت‌ها عمدتاً بر مفاد پیش فرض قانون UFADAA مبنی بر اعطای دسترسی گسترده به اطلاعات شخصی متوفا به ذی‌نفعان متمرکز بود. برای نمونه، پس از تصویب قانون UFADAA در ایالت دلاور بعنوان تنها ایالتی که نسخه کامل از این قانون را به تصویب رسانده بوده، شرکت‌هایی نظیر گوگل، AOL، Net Choice و ...، با ارسال نامه‌های اعتراضی به فرماندار ایالت دلاور، خواستار وتوی این قانون شدند. آن‌ها مدعی بودند که این قانون، حفاظت‌های حریم خصوصی را برای شهروندان دلاور تضعیف کرده و به انتخاب‌های حریم خصوصی کاربران بی‌توجهی نموده و سطح حریم خصوصی ساکنان دلاور را پایین‌تر از استانداردهای فدرال قرار می‌دهد (Lee, 2015: 679).

در پاسخ به انتقادات مطروحه علیه قانون UFADAA، کمیسیون قوانین متحد مجدداً تشکیل جلسات داده و نسخه‌ای اصلاح شده از UFADAA را تدوین نمود که در سال ۲۰۱۵ به نام قانون اصلاحی متحدالشکل دسترسی ذی‌نفعان به دارایی مجازی (RUFADAA) به تصویب رسید (Lopez, 2016: 191). تا زمان نگارش این مقاله، کلیه ایالات کشور آمریکا به غیر از ایالت ماساچوست، قانون مزبور را تصویب کرده‌اند.^{۲۳}

قانون RUFADAA با ایجاد یک نظام سلسله مراتبی سه سطحی در حوزه افشای اطلاعات، به تبیین روابط بین ابزارهای برخت، موافقت‌نامه‌های شرایط خدمات، و سایر اسناد مکتوب که متضمن دستورالعمل‌های کاربر در خصوص دسترسی به دارایی‌های مجازی هستند، مبادرت می‌ورزد:

نخست، در صورتی که متولی، ابزار برختی را فراهم نماید که به صاحب حساب امکان تعیین شخص ثالثی را جهت دسترسی به دارایی‌های مجازی یا دستور به متولی در خصوص امحای دارایی مجازی پس از فوت صاحب حساب اعطا نماید، دستورالعمل‌های برخت کاربر از ضمانت اجرای قانونی برخوردار خواهند بود (Walker, 2017: 63).

دوم، در صورت عدم ارائه ابزار برنامه‌ریزی برخت توسط متولی، یا در صورت امتناع کاربر از استفاده از آن، کاربر مجاز به ارائه دستورالعمل‌های قانونی لازم‌الاجرا در خصوص تعیین تکلیف دارایی‌های دیجیتال در قالب وصیت‌نامه، تراست، وکالت‌نامه، یا سایر اسناد مکتوب خواهد بود.

سوم، در صورت عدم ارائه هرگونه دستورالعمل توسط کاربر، اعم از برخت یا از طریق وصیت‌نامه یا سایر اسناد مکتوب، موافقت‌نامه شرایط خدمات حساب کاربر، دسترسی ذی‌نفع به دارایی مجازی کاربر را تعیین خواهد نمود. در صورت سکوت موافقت‌نامه شرایط خدمات در خصوص دسترسی، مفاد پیش فرض RUFADAA اعمال خواهد شد (Guillebeau, 2017: 38).

²³ <https://www.uniformlaws.org/committees/community-home?CommunityKey=f7237fc4-74c2-4728-81c6-b39a91ecdff22>

مطابق با مفاد ماده چهارم از قانون RUFADAA، اراده صریح کاربر در خصوص دسترسی به حساب‌های دیجیتال، مندرج در ابزارهای آنلاین ارائه شده توسط شرکت های ارائه دهنده خدمات دارایی‌های مجازی،^{۲۴} بر هرگونه اراده مغایر یا متعارض مندرج در وصیت‌نامه یا سایر اسناد مکتوب، اولویت مطلق دارد.

قانون مذکور دو دسته از اشخاص را که صلاحیت مدیریت دارایی دیجیتال کاربر را دارا هستند، شناسایی و تعریف می‌کند: الف: متولی (Custodian): شخصی حقیقی یا حقوقی که مسئولیت حمل، نگهداری یا ذخیره‌سازی دارایی‌های دیجیتال را بر عهده دارد. این شخص یا نهاد، امکانات فنی و زیرساخت‌های لازم برای حفظ و نگهداری امن دارایی‌های دیجیتال را فراهم می‌کند.

ب: امانتدار (Fiduciary): شخصی که به عنوان قائم‌مقام یا نماینده قانونی کاربر، مسئولیت مدیریت و تصمیم‌گیری در خصوص دارایی‌های دیجیتال را بر عهده دارد. امانتدار، می‌تواند شامل وکیل، وصی، یا هر شخص دیگری باشد که بر اساس وصیت‌نامه یا سایر اسناد قانونی، صلاحیت مدیریت دارایی‌های کاربر را کسب کرده است.

در راستای دستیابی به هر یک از دارایی‌های دیجیتال متعلق به کاربر متوفی، متولی مکلف است تقاضانامه‌ای را به انضمام رونوشت مصدق گواهی فوت کاربر و سند اعطای اختیار ذی نفع به متولی، به متولی ارائه نماید. با این حال، در تمامی موارد، متولی این اختیار را دارا است که از متولی مطالبه نماید تا حکم قضایی دال بر ضرورت افشای دارایی‌های دیجیتال کاربر برای اداره املاک را اخذ نماید.

شایان ذکر است که قانون RUFADAA تصریح می‌نماید که متولیان دارایی‌های دیجیتال، مشمول همان تکالیفی هستند که در خصوص اداره سایر اموال اعمال می‌شود، و این قانون به گونه‌ای طراحی شده است که به عنوان یک قانون فراگیر عمل نماید که در ارتباط با قوانین موجود ایالتی در خصوص وصیت، سرپرستی، تراست‌ها و وکالت‌نامه‌ها اجرا می‌شود. همچنین از متولیان در برابر هرگونه اقدامی که در انطباق با مفاد آن انجام می‌شود، حمایت می‌نماید.

تصویب قانون RUFADAA تاثیر شگرفی در نظام قانونگذاری سایر کشورها داشته و بعنوان یک قانون الگو مورد بهره‌برداری واقع شده است. کنفرانس کمیسیون متحد قوانین کانادا نیز با اتخاذ رویکردی مشابه، مبادرت به تصویب قانونی تحت عنوان «قانون متحدالشکل دسترسی به دارایی‌های مجازی توسط متولیان» (UADFA) نمود. این قانون، در مقایسه با قانون RUFADAA، حقوق دسترسی گسترده‌تری را برای متولیان دارایی‌های مقرر می‌دارد زیرا مقرر داشته که اصل بر دسترسی پیش‌فرض متولی به دارایی‌های مجازی صاحب حساب است، و ابزار تعیین‌کننده حقوق دسترسی متولی، اراده صریح کاربر است، نه شروط قراردادی ارائه‌دهندگان خدمات. علاوه بر این، قانون کانادا از نظام اولویت‌بندی «آخرین زمان» پیروی می‌کند، به این معنا که جدیدترین دستورالعمل کاربر، بر دستورالعمل‌های پیشین ارجحیت دارد. با این حال، نکته قابل توجه آن است که در صورتی که کاربری، علی‌رغم تنظیم وصیت‌نامه، شخص دیگری از اعضای خانواده یا دوستان خود را به عنوان امین دسترسی به حساب‌های رسانه‌های اجتماعی خود پس از فوت

^{۲۴} از جمله انتقادات وارده به مفاد ماده چهارم از قانون مزبور، عدم وجود الزام قانونی نسبت به شرکت‌های ارائه دهنده خدمات در ارائه ابزار های آنلاین جهت تعیین نحوه دسترسی بازماندگان متوفا می باشد و همین موضوع سبب شده در عمل، یافتن چنین ابزارهایی کمیاب گردد. علاوه بر آن، بسیاری از کاربران از وجود چنین ابزارهایی ناآگاه می باشند. بنظر می رسد این موضوع، بی‌ارتباط با نفع شرکت‌ها نباشد (Sy, 2016: 673).

تعیین نماید، این اقدام، حقوق مجری وصیت‌نامه را محدود می‌سازد. این امر، مشابه رویکرد RUFADA در ایالات متحده است که در آن، اراده متوفی مندرج در وصیت‌نامه، بر سایر اراده‌ها اولویت دارد، اما تفاوت در سازوکار اعمال این اولویت است.²⁵

قانون جمهوری دیجیتال²⁶ در فرانسه نیز رویکردی مشابه با قانون RUFADAA در ایالات متحده را اتخاذ نموده است. به موجب ماده ۶۳(۲) این قانون، هر شخص حقیقی یا حقوقی، واجد صلاحیت تعیین دستورالعمل‌های عام یا خاص در خصوص حفظ، امحا و افشای داده‌های شخصی خود پس از فوت می‌باشد. این دستورالعمل‌ها، حسب مورد، نزد شخص ثالث گواهی شده (در خصوص دستورالعمل‌های عام) یا ارائه‌دهنده خدمات نگهداری داده‌ها (مانند فیس‌بوک، با توجه به سیاست‌های پیش‌تر مورد اشاره) به ثبت می‌رسند. این امر، تحولی قابل توجه در حوزه حقوق مجازی محسوب می‌شود، چرا که رویکردهای ایالات متحده و فرانسه در زمینه حریم خصوصی پس از مرگ را به یکدیگر نزدیک‌تر می‌سازد (Castex & Authors, 2018: 141-142).

نتیجه

دگرگونی در مفهوم دارایی و پدیدار شدن دارایی مجازی، نظام‌های حقوقی را با پرسش‌ها و چالش‌هایی در حوزه انتقال و مدیریت این دارایی‌ها پس از فوت کاربر مواجه ساخته و در چنین بستری، مقاله حاضر با تمرکز بر تعارض منافع ذی‌نفعان در مدیریت دارایی‌های مجازی متوفی، کوشیده است تا از خلال تحلیل ساختارهای حقوقی موجود و بررسی قانون RUFADAA، گامی در جهت روشن‌سازی ابعاد پیچیده این مسئله بردارد.

در تحلیل صورت‌گرفته، آشکار شد که از یک‌سو کاربر متوفی به عنوان صاحب اصلی دارایی، در پی تحقق اراده‌ی خود و صیانت از حریم خصوصی است، و از سوی دیگر، وراثت یا موصی‌له، خواهان اعمال حقوق مالکانه خویش بر ترکه دیجیتال‌اند. در این میان، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات نیز با اتکای به شروط قراردادی یک‌جانبه، تلاش در حفظ کنترل انحصاری بر اطلاعات دارند و در مواردی، با استناد به دغدغه‌های حریم خصوصی، از انتقال یا افشای داده‌ها امتناع می‌ورزند. افزون بر آن، سایر کاربران در معرض خطر افشای اطلاعات شخصی خود از طریق حساب‌های متوفی هستند و در سطح کلان، منافع عمومی جامعه نیز اقتضا دارد که بخشی از این داده‌ها، به مثابه حافظه تاریخی و سرمایه فرهنگی، در معرض محافظت و بهره‌برداری قرار گیرد.

در مقام پاسخ به این تعارضات، قانون RUFADAA در ایالات متحده به عنوان یک قانون پیشرو، با طراحی نظام سلسله‌مراتبی در اعمال اراده متوفی و تفکیک میان متولی و امانتدار، تلاش کرده است توازنی میان حقوق ذی‌نفعان متعدد برقرار سازد. این قانون، از یک‌سو به اراده‌ی کاربر در تنظیم دستورات برخط یا وصیت‌نامه‌ای اولویت مطلق می‌دهد و از سوی دیگر، از متولیان خدمات دیجیتال می‌خواهد در چهارچوب مقررات ایالتی، امکان دسترسی و انتقال داده‌ها را برای امانتداران مهیا سازند. تجربه قانون‌گذاری ایالات متحده و کشورهای دیگری چون فرانسه و کانادا، نشان می‌دهد که بهره‌گیری از ابزارهای حقوقی نظیر وصیت‌نامه دیجیتال، معرفی وراثت دیجیتال، و نیز تنظیم رویه‌های استاندارد برای افشای داده‌ها، می‌تواند به کاهش تعارضات و تحقق مصالح عمومی یاری رساند.

²⁵ Uniform Access to Digital Assets by Fiduciaries Act (2016).

²⁶ Loi pour une République numérique

در حقوق ایران، هر چند قواعد عام ارث و وصیت می‌تواند مبنایی برای شمول دارایی‌های مجازی بر ترکه فراهم آورد، لیکن اتکای صرف به این قواعد پاسخگوی تعارض منافع پیچیده در این حوزه نیست. از این رو، اقتضا دارد قانون‌گذار ایرانی با الهام از تجربه‌های تطبیقی به ویژه قانون RUFADAA، نسبت به شناسایی رسمی دارایی‌های مجازی، پیش‌بینی نهادهایی چون وصیت و وصی مجازی، تحدید شروط قراردادی یک‌جانبه شرکت‌ها و ایجاد سازوکارهای حمایتی از حریم خصوصی اقدام نماید. چنین رویکردی می‌تواند خلأ موجود در نظام حقوقی ایران را برطرف ساخته و تعادل لازم میان حقوق و منافع ذی‌نفعان را برقرار سازد.

از این رو، اقتضا دارد قانون‌گذار ایرانی در پرتو تجربه‌های تطبیقی، نسبت به طراحی مقرراتی منسجم اقدام نماید و در این راستا، اقدامات ذیل در سطوح تقنینی، اجرائی و سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌شود:

۱. تصویب قانونی مستقل یا الحاق مقررات به قانون مدنی جهت شناسایی رسمی دارایی‌های مجازی به‌عنوان بخشی از ترکه و تعیین تکلیف نحوه انتقال و اداره آن‌ها.
۲. پیش‌بینی نهاد «وصیت دیجیتال» و امکان تعیین «وصی دیجیتال» برای مدیریت دارایی مجازی، مشابه وصی در اموال سنتی.
۳. تحدید اعتبار شروط قراردادی یک‌جانبه شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات که به دنبال سیاست حذف یا غیرفعال‌سازی حساب کاربران متوفا بوده، در صورتی که با قواعد آمره ارث یا نظم عمومی داخلی تعارض داشته باشند.
۴. ایجاد یک نهاد یا سامانه رسمی جهت حفظ و نگهداری داده‌های عمومی و دارای ارزش فرهنگی، تاریخی و اجتماعی به‌عنوان بخشی از حافظه جمعی، با رعایت حریم خصوصی کاربران.
۵. طراحی ضوابطی که تضمین‌کننده دسترسی وراثت و ذی‌نفعان بوده اما هم‌زمان از نقض حریم خصوصی اشخاص ثالث جلوگیری نماید؛ نظیر طبقه‌بندی محتوای حساب‌های دیجیتال به شخصی، خانوادگی و عمومی.

منابع

- ۱- ایران نژاد، محمدرضا و دیگران (۱۴۰۱)، «چالش‌ها و راهکارهای دسترسی به حساب کاربری ایمیل بعد از فوت کاربر در حقوق ایالات متحده آمریکا». پژوهش‌های حقوقی، ۲۱(۵۱): ۳۹۱ - ۴۱۷.
- ۲- شهیدی، مهدی (۱۳۹۶)، حقوق مدنی، جلد اول، تشکیل قراردادها و تعهدات، چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات مجد.
- ۳- صفایی، سید حسین (۱۳۹۸)، دوره مقدماتی حقوق مدنی جلد دوم؛ قواعد عمومی قراردادها. چاپ سی و یکم. تهران: انتشارات میزان.
- ۴- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸)، دوره حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، چاپ سوم. تهران: گنج دانش.
- ۵- میرشکاری، عباس (۱۳۹۵)، «ارث حساب‌های مجازی». فصل‌نامه دانش حقوق مدنی ۲: ۴۸ - ۶۳.
- ۶- میرشکاری، عباس، عبیدی، مونا و ملکی، نفیسه. (۱۴۰۴). میل به مدارا: بررسی تطبیقی عوامل فرهنگی مؤثر بر انفعال زیان‌دیدگان در طرح دعوی مسئولیت مدنی. فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۸(۲۷)، ۲۴۲-۲۸۲. [doi: 10.22034/law.2024.2044190.1475](https://doi.org/10.22034/law.2024.2044190.1475)
- ۷- میرشکاری، عباس و فتاحی کتی‌لته، علیرضا (۱۴۰۰)، «امکان‌سنجی شناسایی جامعه به‌عنوان صاحب حق نسبت به حریم خصوصی درگذشتگان با مطالعه تطبیقی». دوره ۵، شماره ۲ - شماره پیاپی ۸: ۲۳۹ - ۲۶۰.
- ۸- میرشکاری، عباس و فتاحی، علیرضا (۱۴۰۲)، «حرمت درگذشتگان»، دایره‌المعارف اخلاق پزشکی اسلامی، نسخه ۱: ۱۴۰۲ - ۱۸.
- ۹- میرشکاری، عباس و فتاحی کتی‌لته، علیرضا (۱۴۰۰)، «وصیت حساب‌های مجازی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۰، شماره ۴۷، پاییز ۱: ۱۶۵ - ۱۹۴.

References

- 1- Banta, N. M. (2014). Inherit the Cloud: The Role of Private Contracts in Distributing or Deleting Digital Assets at Death. *Fordham L Rev*, 2, 799.
- 2- Banta, N. M. (2015). Death and Privacy in the Digital Age. *NCL Rev.*, 94, 927.
- 3- Banta, N. M. (2017). Property Interests in Digital Assets: The Rise of Digital Feudalism. *Cardozo L. Rev.*, 38, 1099.
- 4- Beyer, G. W., & Cahn, N. (2013). Digital Planning: The Future of Elder Law. *NAELA J.*, 9, 135.
- 5- Castex, L., Harbinja, E., & Rossi, J. (2018). Défendre les Vivants ou les Morts? *Réseaux*, 210(4), 117-148.
- 6- Conner, J. (2010). Digital Life After Death: The Issue of Planning for a Person's Digital Assets After Death. *Est. Plan. & Cmty. Prop. LJ*, 3, 301.
- 7- Darrow, J. J., & Ferrera, G. R. (2006). Who Owns a Decedent's E-Mails: Inheritable Probate Assets or Property of the Network? *NYUJ Legis. & Pub. Pol'y*, 10.
- 8- Dosch, N. (2010). Over View of Digital Assets: Defining Digital Assets for the Legal Community. Mode of access: <http://www.digitalestateplanning.com>.
- 9- Fairfield, J. A. (2005). *Virtual Property* (Boston University Law Review) Vol. 85-1047). Boston University, Boston.
- 10- Guillebeau, C. A. (2017). Disposition of Digital Assets in Georgia. *J. Intell. Prop. L.*, 25, 29.
- 11- Harbinja, E. (2019). Emails and Death: Legal Issues Surrounding Post-Mortem Transmission of Emails. *Death Studies*, 43(7), 435-445.
- 12- Harbinja, E. (2017). Legal Aspects of Transmission of Digital Assets on Death. Submitted in Fulfilment for the Degree of Doctor of Philosophy, Law School, University of Strathclyde.
- 13- *In re Estate of Ellsworth*, 310 Ill. App. 223, 33 N.E.2d 887 (Ill. App. Ct. 1941).
- 14- Iran Nezhad, M. R., et al. (2022). "Challenges and Solutions of Access to Email Account after User's Death In US Law User's Death" *Legal Research*, 21(51), 391-417 (in Persian).
- 15- *Jallali v. Nat'l Bd. of Osteopathic Med. Exam'rs, Inc.*, 518 Fed. Appx. 863, 518 F. App'x 863 (2013).
- 16- Katouzian, N. (2019). *Civil Law Series: General Rules of Contracts*, Vol. 1 (3rd ed.). Tehran: Ganj-e Danesh (in Persian).
- 17- Katsh, E. (1993). Law in a Digital World: Computer Networks and Cyberspace. *Vill. L. Rev.*, 38, 403.
- 18- Kutler, N. (2011). Protecting your online you: a new approach to handling your online persona after death. *Berkeley Tech. LJ*, 26, 1641.
- 19- Lee, J. (2015). Death and Live Feeds: Privacy Protection in Fiduciary Access to Digital Assets. *Colum. Bus. L. Rev.*, 654.
- 20- Lopez, A. B. (2016). Posthumous Privacy, Decedent Intent, and Post-Mortem Access to Digital Assets. *Geo. Mason L. Rev.*, 24, 183.
- 21- Mali, P., & Prakash G, A. (2019). Death in the Era of Perpetual Digital Afterlife: Digital Assets, Posthumous Legacy, Ownership and Its Legal Implications. *National Law School Journal*.
- 22- Maimes, S. (2013). Managing Your Digital Afterlife: Cyber Footprint, Ownership, and Access. *The Trust Advisor*.
- 23- Mirshkari, A. (2016). "Inheritance of Virtual Accounts." *Civil Law Knowledge Quarterly*, 2: 48-63 (in Persian).
- 24- Mirshkari, A., Abdi, M., & Maleki, N. (2025). "Tendency to Tolerance: A Comparative Study of Cultural Factors Affecting the Passivity of Injury Victims in a Tort Action" *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 8(27): 242-282 [doi: 10.22034/law.2024.2044190.1475](https://doi.org/10.22034/law.2024.2044190.1475) (in Persian).
- 25- Mirshkari, A., & Fattahi, A. (2023). "The Sanctity of the Deceased." *Encyclopedia of Islamic Medical Ethics*, Version 1: 1-18 (in Persian).
- 26- Mirshkari, A., & Fattahi Katiliteh, A. (2021). "The Will of Digital Accounts." *Journal of Legal Studies*, 20(47): 165-194 (in Persian).
- 27- Mirshkari, A., & Fattahi Katiliteh, A. (2021). "Feasibility of Recognizing the Society as Beneficiary of Privacy of Descendants with Comparative Analysis." *Comparative Law Journal*, 5(2), Issue 8: 239-260 (in Persian).
- 28- Park, Y. J., Sang, Y., Lee, H., & Jones-Jang, S. M. (2020). The Ontology of Digital Asset After Death: Policy Complexities, Suggestions and Critique of Digital Platforms. *Digital Policy, Regulation and Governance*, 22(1), 1-25.
- 29- Roy, M. D. (2010). Beyond the Digital Asset Dilemma: Will Online Services Revolutionize Estate Planning. *Quinnipiac Prob. LJ*, 24, 376.
- 30- Safai, S. H. (2019). *Introductory Course on Civil Law*, Vol. 2: General Rules of Contracts (31st ed.). Tehran: Mizan Publications (in Persian).
- 31- Shahidi, M. (2017). *Civil Law*, Vol. 1: Formation of Contracts and Obligations (13th ed.). Tehran: Majd Publications (in Persian).
- 32- Standage, T. (2013). *Writing on the Wall: Social Media-The first 2,000 Years*. Bloomsbury Publishing USA.
- 33- Sy, E. (2016). The Revised Uniform Fiduciary Access to Digital Assets Act: Has the Law Caught up with Technology. *Touro L. Rev.*, 32.
- 34- Taheri, S. M., Shokrzadeh Hashtroudi, N. (2024). Digital Rights Management (DRM) Metadata Elements and their Functionalities: A Comparative Study: A Comparative Study. *Journal of Research and Development in Comparative Law*, 7(22), 187-207.
- 35- Tarney, T. G. A Call for Legislation to Permit the Transfer of Digital Assets at Death' (2012). *Cap UL Rev*, 40, 773.

- 36- Walker, M. D. (2017). The New Uniform Digital Assets Law: Estate Planning and Administration in the Information Age. Real Prop. Tr. & Est. LJ, 52, 51.
- 37- White v. Brown, 559 S.W.2d 938 (Tenn. 1977).
- 38- Zelinsky, E. A. (1983). Transfer Taxation Without Transfer: Reflections on Employer-Provided Death Benefits, Section 2039, Disclaimers, New Forms of Wealth, and the Evolution of the Federal Estate Tax. Tul. L. Rev., 58, 974.
- 39- <https://www.microsoft.com/en/servicesagreement> (Last visited 11 Oct, 2024)
- 40- <https://legal.yahoo.com/us/en/yahoo/terms/otos/index.htm> (Last visited 8 Feb, 2025)
- 41- <https://m.facebook.com/terms.php> (Last visited 29 Jan, 2025)
- 42- <https://www.dropbox.com/terms> (Last visited 2 Sep, 2024)
- 43- <https://digitallegacyassociation.org> (Last visited 10 Oct, 2024)
- 44- <https://caselaw.findlaw.com/court/in-court-of-appeals/1329417.html> (Last visited 21 Nov, 2024)
- 45- <https://www.uniformlaws.org> (Last visited 7 Jan, 2025)
- 46- <https://www.theguardian.com> (Last visited 6 Oct, 2024)
- 47- <https://www.nbcnews.com> (Last visited 11 Dec, 2024)

پذیرفته شده | در انتظار انتشار | نسخه اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited